

لاک پشت تمام عیار

افسانه‌ها

آموخته‌ها

نتیجه‌ها

مایکل کاوول

زینب آذریان

رضا دلیریان

نشر چالش

فهرست مطالب

۷	معرفی
۱۳	پیش‌گفتار
۲۳	فصل اول: آموزش در مقابل سرشت
۳۰	دنیای کوچکی است
۳۷	فصل دوم: شاهزاده زیرزمین‌ها
۴۶	تجربه معامله در MIDAM
۵۰	هیئت تجاری شیکاگو
۵۱	نقل مکان از زیرزمین
۵۷	جاه‌طلبی‌های سیاسی
۶۱	دریاهای موج
۶۵	فصل سوم: لاک‌پشت‌ها
۶۸	برخی اتفاقات زندگی تصادفی هستند
۷۵	مهم‌ترین مصاحبه زندگی
۸۲	قرارداد لاک‌پشت‌ها
۸۴	کلاس درس
۹۵	فصل چهارم: فلسفه
۱۰۳	مباحث کلاس
۱۱۵	فصل پنجم: قوانین
۱۱۷	انتظار: «روش معاملاتی شما در بلندمدت چه مقدار پول به دست می‌آورد؟»
۱۲۰	ورودها و خروج‌ها: «بهتر است همیشه در صعودها خرید کنید.»
۱۲۲	دو سیستم لاک‌پشت‌ها: «سیستم یک و سیستم دو»
۱۳۰	ورودهای تصادفی
۱۳۱	مدیریت ریسک: «در هر معامله چقدر از پول خود را ریسک کنید؟»
۱۳۸	محدودیت در واحدها
۱۳۹	مثال‌هایی از تعیین ریسک اولیه
۱۴۰	اضافه کردن هرمی به پوزیشن‌های برنده
۱۴۱	یک معامله نمونه برای روشن شدن افزایش هرمی

۲۵۵.....	فصل سیزدهم: لاک پشت‌های نسل دوم.....
۲۵۹.....	ملاقات با یک لاک پشت.....
۲۶۱.....	شیرجه زدن.....
۲۶۵.....	شرکت کالا.....
۲۶۹.....	آموزش‌های دنیس و اکهارت.....
۲۷۲.....	جوشش اقیانوس.....
۲۷۵.....	فصل چهاردهم: عظمت مدل.....
۲۸۱.....	ضمیمه ۱: اکنون آن‌ها کجا هستند؟.....
۲۸۹.....	ضمیمه ۲.....
۲۹۱.....	ضمیمه ۳: داده‌های عملکرد لاک پشت‌ها.....
۲۹۵.....	ضمیمه ۴: عملکرد لاک پشت‌ها در زمانی که برای ریچارد دنیس معامله‌گری می‌کردند.....
۳۲۰.....	درباره نویسنده.....

۱۴۶.....	ریسک تباهی: «زنده می‌مانید یا نابود می‌شوید؟».....
۱۴۸.....	خلاصه‌ای از قوانین خروج.....
۱۴۹.....	انتخاب پورتنوی و متعادل کردن پوزیشن‌ها.....
۱۵۵.....	فصل ششم: آغاز راه.....
۱۵۷.....	محیط دفتر.....
۱۶۱.....	یک استراتژی معاملاتی کسل‌کننده.....
۱۶۹.....	پویایی گروه.....
۱۷۳.....	فصل هفتم: هر کسی آنچه مقرر بود را معامله می‌کرد.....
۱۸۶.....	عملکرد.....
۱۹۰.....	نامه تذکر.....
۱۹۳.....	فصل هشتم: پایان بازی.....
۲۰۱.....	فصل نهم: دیگر همه چیز به خودشان بستگی دارد.....
۲۰۴.....	لاک پشت‌ها در جادوگران بازار.....
۲۰۶.....	قوانین دنیس کم ریسک‌تر شدند.....
۲۱۰.....	با گروه ماندن.....
۲۱۱.....	معامله‌گران به شدت وابسته.....
۲۱۵.....	فصل دهم: دنیس دوباره به بازی برگشت.....
۲۱۸.....	راسل سندز.....
۲۲۲.....	بازنشستگی دوباره دنیس.....
۲۲۷.....	فصل یازدهم: استفاده از فرصت.....
۲۳۱.....	چه چیزی پارکر را از لاک پشت‌های دیگر متمایز کرد؟.....
۲۳۴.....	تصمیم بگیریید چه می‌خواهید.....
۲۳۷.....	مشکل با معامله‌گران بنیادی.....
۲۴۲.....	نابودی صندوق‌های سرمایه‌گذاری پوشش ریسک.....
۲۴۴.....	جیمز ریور کپیتال.....
۲۴۷.....	فصل دوازدهم: شکست یک انتخاب است.....

شیکاگو، IL 60604

دریافت‌کننده: دیل دلوتری^۱

درخواست‌ها تا یک اکتبر ۱۹۸۴، مورد پذیرش واقع می‌شوند.

هیچ تماس تلفنی پذیرفته نخواهد شد.

آگهی در صفحات انتهایی روزنامه‌ها چاپ شد و با توجه به چیزی که دنیس پیش‌بینی می‌کرد، افراد بسیار کمی درخواست همکاری دادند. معمولاً مردم انتظار ندارند مسیر کسب ثروت به این راحتی در دسترس باشد. آگهی همه را دعوت می‌کرد تا به یکی از موفق‌ترین شرکت‌های معاملاتی شیکاگو بپیوندند، بدون اینکه "تجربه" معامله‌گری داشته باشند. مثل این بود که تیم فوتبال واشنگتن رد اسکینز^۲، بدون توجه به سن، وزن یا تجربه فوتبال، بازیکن جذب کند.

شاید حیرت‌انگیزترین نکته این بود که کالای C&D قصد داشت مفاهیم معاملاتی اختصاصی خود را آموزش دهد. این موضوع در آن زمان و حتی امروز بی‌سابقه است، چون سیستم‌های معاملاتی پول‌ساز عالی همیشه مخفی می‌مانند.

فرآیند استخدام دنیس مدت‌ها پیش از جریان زنجیروار آگهی‌های فهرست کریگ^۳ که در عرض چند ساعت هزاران رزومه برای هر شغل دریافت شد اتفاق افتاد. با این حال، سال ۱۹۸۳ بود و هنوز جهان به سمتی نرفته بود که با خواندن یک پست در وبلاگ اطلاعات کسب شود.

شاگردان بالقوه که در نهایت استخدام شدند به یاد می‌آوردند که در آن موقع حیرت‌زده بودند. «فکر نمی‌کردم به این موفقیت دست پیدا کنم» جمله‌ای بود که آن روزها زیاد شنیده می‌شد. باور نکردنی بود که از آن‌ها دعوت شود تا از بزرگ‌ترین معامله‌گر شیکاگو یاد بگیرند، با پول او معامله‌گری کنند و بخشی از سود را دریافت

منتشر کرده بود و مایکروسافت برنامه پردازش کلمه جدید (Word) خود را به بازار ارائه داده بود. ریگان^۱، رئیس جمهور وقت آمریکا سال ۱۹۸۳ را "سال کتاب مقدس" اعلام کرد. این عنوان چندان به مذاق دنیس خوش نیامد.

دنیس برای انتخاب شاگردانش روش‌های استخدام متعارف را نادیده گرفت. شرکت کالای C&D او، در اواخر پاییز ۱۹۸۳ و ۱۹۸۴، مبلغ ۱۵,۰۰۰ دلار را به چاپ آگهی جذب کارآموز در *وال استریت ژورنال*، *بارون*^۲ و *اینترنشنال هرالد تریبیون*^۳ اختصاص داد. کارجویان مشتاق با متن زیر روبه‌رو شدند:

ریچارد جی. دنیس

از کالای C&D،

برای توسعه گروه معامله‌گران خود

کارآموزانی را برای شغل معامله‌گری آتی کالا می‌پذیرد.

آقای دنیس و همکارانش، گروه کوچکی از متقاضیان را با مفاهیم معامله‌گری اختصاصی خود آموزش خواهند داد. پس از آن، داوطلبان موفق فقط برای آقای دنیس معامله خواهند کرد؛ آن‌ها اجازه نخواهند داشت برای خود یا دیگران معاملات آتی انجام دهند. به معامله‌گران درصدی از سود معاملاتی‌شان پرداخت خواهد شد و امکان برداشت‌های کوچک را خواهند داشت. تجارب قبلی در معامله‌گری در نظر گرفته خواهد شد، اما ضروری نیست. متقاضیان باید یک رزومه مختصر همراه با یک جمله که نشان‌دهنده انگیزه آن‌ها از این درخواست است به آدرس زیر ارسال کنند:

کالای C&D

۱۴۱ W. Jackson، سویت ۲۳۱۳

الکترونیکی، عملیات پایگاه داده و گرافیک است. اما با عرضه برنامه‌های بهتر توسط شرکت‌هایی مانند مایکروسافت و همین‌طور به‌علت تاکتیک‌های بازاریابی ضعیف IBM، لوتوس ۱-۲-۳ به حاشیه رانده شد. (مترجم)

¹. Dale Dellutri

². Washington Redskins

³. Craig

¹. Reagan

². Barron

³. Herald Tribune International

میلیون دلار به دست آورم.» او در این محاسبات لوریج را در نظر می‌گرفت و این موضوع را به خوبی آموزش داد.

از سوی دیگر، ویلیام اکهارت به شدت به استعدادهای ذاتی معتقد بود. او می‌گفت: «یا شما با مهارت‌های معاملاتی متولد می‌شوید یا نمی‌شوید.» دنیس بحث خود با ویلیام را این‌گونه توضیح داد: «شریک من بیل از دبیرستان با من دوست بوده است. تقریباً درباره هر موضوع فلسفی با یکدیگر اختلاف نظر داریم. یکی از این اختلافات این است که آیا مهارت‌های یک معامله‌گر موفق می‌تواند در مجموعه‌ای از قوانین تعریف شود؟ این نقطه نظر من بود. نقطه نظر دیگر این بود که چیزی غیرقابل توصیف، عرفانی، ذهنی یا شهودی وجود دارد که می‌تواند شخص را به معامله‌گری خوب تبدیل کند. این بحث برای مدتی طولانی ادامه داشت و گمان می‌کنم با تفکرات بیهوده کمی ناامید شده بودم. در نهایت، من گفتم راهی که ما می‌توانیم این بحث را حل کنیم این است که عده‌ای را استخدام کنیم، آموزش دهیم و ببینیم چه اتفاقی می‌افتد. او موافقت کرد. این آزمایشی هوشمندانه بود.»

اگرچه اکهارت اعتقادی به پرورش معامله‌گران نداشت، اما باور خود را زیر پا گذاشت. او تعداد زیادی میلیونر می‌شناخت که با ثروت به ارث رسیده معامله‌گری را شروع کرده بودند و همه را از دست داده بودند. به نظر اکهارت چون آن‌ها درد ضرر کردن را احساس نمی‌کردند همه چیز را از دست می‌دادند. او می‌گفت: «خیلی بهتر است که با بودجه کم وارد بازار شوید و احساس کنید نمی‌توانید آن را از دست بدهید. ترجیح می‌دهم کسی را انتخاب کنم که با چند هزار دلار شروع می‌کند، نه کسی که با چند میلیون دلار به بازار قدم می‌گذارد.»

کنند. هر کسی به این فرصت آموزشی فوق‌العاده عالی به شکلی پاسخ داد. یکی می‌گفت: «من فکر می‌کنم می‌توانم برای شما پول به دست آورم.» حدس بزنید چه چیزی در یک مصاحبه رو در رو با کسی که هیچ سابقه‌ای در معامله‌گری ندارد می‌تواند باعث شود شما در او پتانسیل تبدیل شدن به یک معامله‌گر ثروتمند، عالی و بی‌نظیر ببینید.

راه‌اندازی این ماجرای بزرگ، برنامه دنیس بود تا بحث بسیار طولانی خود با شریکش ویلیام اکهارت درباره سرشت در مقابل آموزش را به پایان برساند. دنیس معتقد بود که توانایی معامله‌گری او یک موهبت ذاتی نیست. او به بازارها به چشم بازی مونوپولی^۱ نگاه می‌کرد. او استراتژی‌ها، قواعد، احتمالات و اعداد را عینی و قابل یادگیری می‌دانست. در مکتب دنیس، هر چیزی راجع به بازارها، با شروع اولین پیش‌نیازش یعنی دیدگاهی مناسب نسبت به پول، قابل تعلیم بود. او پول را فقط وسیله‌ای برای خرید کالا در بازار نمی‌دانست؛ دیدگاهی که بیشتر مردم نسبت به پول دارند. او پول را وسیله‌ای برای کسب امتیاز بیشتر می‌دید. دنیس هیچ‌گونه وابستگی عاطفی به دلار نداشت، حتی اگر سنگریزه هم به او می‌دادی به جای پول با آن معامله می‌کرد.

دنیس می‌گفت: «اگر ۵,۰۰۰ دلار به دست آورم می‌توانم آن را در معامله قرار دهم و ۲۵,۰۰۰ دلار به دست آوردم و اگر ۲۵,۰۰۰ دلار به دست آوردم می‌توانم دوباره با آن معامله کنم و ۲۵۰,۰۰۰ دلار دریافت کنم. می‌توانم معاملات بیشتری انجام دهم و یک

^۱ Monopoly: مونوپولی به معنای انحصارگری است و از دو واژه منو (به یونانی: mono، یعنی تنها) و پولی (به یونانی: poly، یعنی فروش) ساخته شده است. موضوع بازی مونوپولی تلاش بازیکن‌ها برای در دست گرفتن انحصاری خانه‌های خاص در زمین بازی است. مونوپولی یک بازی فکری و جذاب است؛ جذاب به دلیل ریسک‌کردن‌هایی که اگر درست نباشند، بازی به مرور زمان به ضررتان تمام می‌شود. از طرفی اگر هم جایی اشتباه کرده باشید، فرصت جبران دارید تا بازی را به سود خود به پایان برسانید. این هیجان از ابتدا تا انتهای بازی برقرار است و همین موضوع باعث جذابیت دوچندان آن می‌شود. (مترجم)